

صورتک سازی یکی از علایق این شکل تجلی هنری در صنعت مجسمه سازی آفریقا محسوب میشود. صورتک آفریقایی که یک ابزار مقدس و مذهبی است و در مراسم جانورگناه مذهبی و نیز در رقصها و فعالیت‌های اجتماعی دیگر مورد استفاده قرار میگیرد از لحاظ فرآوانی انواع آن بسیار جالب توجه است. (صفحه ۱۶) پیام پوسنکو شماره خرداد سال ۱۳۵۷ را مطالعه کنید. بالای صفحه سمت راست صورتک «بابابا» را مشاهده میکنید که متن و مفهوم آن عبارت از اینست: مجسمه انسان بدانگونه که ساخته و پرداخته دست خفاست. صدفیایی که چهره صورتک را پوشاندهاند نمایی از تکثیر نسل انساناست. بالای صفحه سمت چپ صورتک را که نوعی کلاه خود هم بشمار میآید مرصید که ساخت آن بیضه «نلا» از قبایل مناطق جنوبی و مرکزی زائیر نسبت داده شده است. بر بالای این صورتک چهره چهره دو بجهان مختلف کنده کاری شدهاند بگونه ایی که صورتک میزبان در یک زمان واحد چهره‌ها چپ را بشکند. پایین صفحه یک طرف برزی صدفی شکل - که شاید هم یک چراغ روشن باشد - مشاهده میکنید. این طرف در «ایگو اوکورو» واقع در نیجریه کنده شده است. بر بالای آن مجسمه کوچک حواری با پوست خاگردا که احتمالاً مرود مجسمه یک پلنگ است قرار دارد.

Photo © Musée de l'Homme, Paris

Photo José Ozer © Musée de l'Homme, Paris

Photo © André Huet, Louvren, Suisse. Musée National de Lagos, Nigeria

صفتان رنگین میانی

در دو صفحه میانی دو مجسمه از دو سر را مشاهده میکنید که با وجود اینکه در دو مکان و زمان متفاوت با هارها کلوستر و سه هزار سال فاصله مکانی و زمانی ساخته شدهاند قرابت انگار تأییدی با هم دارند. (صفحه ۲۷) که در «دووو» یکی از مناطق نیجریه کشف گردیده از گل پخته و با مصالح زیاد در قرن پانزده میلادی ساخته شده و مجسمه (صفحه ۲۶) از سنگ رملی میکس رنگ ساخته شده و در ۱۹۵۰ میلادی از میلاد تعلق دارد. این سر که خصوصیات چهره «دون آکسون» را دارد متعلق به «امون» براد اوغ مصر است. از زمانهای بسیار قدیم و حتی پیش از استقرار امپراتوری فرانسه در آناتولی برآمده نومی. فرانسوی و فرانسوی نسل را که تنها با تنه کنورسکو آفریقای شمالی (خاصه با سمترین دین اسلام) بلکه با آفریقایی سیاه یا سرزمینهای واقع در جنوب صحرا نیز مرتبط ساخته و این خود نمایی بسیار کنونی را که تاریخ مصر پیش از آنکه جزئی از تاریخ آفریقا را تشکیل ندهد. هدایای مدبرانه تعلق دارد باطل میسازد.

Photo © André Huet, Louvren, Suisse. Musée National de Lagos, Nigeria

Photo © Agyei Makharin, Bruxelles, Musée de l'Art

از طبیعت حسن تا انسان آزاد شده

نوشته ژوزفی کی - زربو

شمالی خارج بودند به همین جهت در طول تاریخ پانصد و هزار سال (مطابق با دوره یخچالی گولزنرین) در اروپا که از قهقاری یخی پوشیده شده بود اثر چندانی از ابزارهای پارینه سنگی مشاهده نمیشود و حال آنکه در این مدت در آفریقا سه نوع متفاوت از ابزارهای سنگی بطور متوالی و طبق تکنیکی که دائماً در حال پیشرفت بوده تولید شده است. در واقع مناطق گرمسیری در آن زمان آب و هوای معتدلی داشت که برای زندگی حیوانی و توسعه و گسترش آن بسیار مساعد بود و اگر کسی بخواهد طلا وانگیزد. های پیدایش انسان را در روی زمین بررسی کند باید نخست محیط جغرافیایی و زیست بومشناسی و پس از آن تکنولوژی و سرانجام محیط اجتماعی را مورد توجه قرار دهد.

انطباق با محیط یکی از نیرومندترین عوامل توسعه و تحول انسان از همان آغاز پیدایش او در روی زمین بشمار میآید. خصوصیات مربوط شکل ظاهری و شخصیات جسمانی اقوام مختلف آفریقایی در این دوره سه در دوران ماقبل تاریخ در آنها پدید آمده است. مثلاً در اروپا و آسیای غربی و شرقی و در مناطق سردسیر و در آن، متخرفین و لیان پهن بسیاری از آفریقاییان بوهای کوتاه و مجعد و پرچین و شکن، همه اینها بستگی بشرايط اقلیمی نواحی گرمسیری دارند. ملابین (ماده قهوه ای تندی که رنگت خود را به پوست میدهد) و نیز موهای کوتاه و مجعد محافظ انسان از گرما هستند. از سوی دیگر، قرار گرفتن بدن نوساخته صوری که مرحله بسیار مهمی در توسعه و تحول انسان بشمار میآید به سبب گردیده که استخوانهای هندونه تن خود را با شرایط تازه تطبیق دهند و بنا بر مقتضای برخی از دانشمندان متخصص در مطالعه انسانهای ماقبل تاریخ ناشی از ضرورتی است که برای مردم آن زمان به منظور متعین ساختن خود با محیط جغرافیایی مناطق پوشیده از علفهای بلند فلاتهای آفریقای خاوری وجود داشته است. آنها برای تعقیب پهنای شکارخود و برای فرار از چنگ جانوران وحشی همیشه همبستگی راست پایبندت با پایبندت با توانند نقطه دور را بشکند.

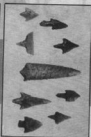
محیط و شرایط تکنولوژیک که توسط مردم آن زمان آفریقا ایجاد گشته بود عامل دیگری است که به آنان امکان داد تا نخست بر طبیعت تسلیم حاصل کنند و سپس بر آن تسلط یابند. انسان از آفریقا که پیشرو برده انسان است با سمترین دین با عرض و با شعوری درآید او با دستی خود که از تسلط پارینه سنگین بدست آزاد گشته بود توانست

کشفته بشریت که در اقصای زمین دفن گردیده چه در آفریقا و چه در دیگر سرزمینها هنوز بطور کامل از زیر خاک بیرون آورده نشده است. ولی در حالی که حف و کاوش زمین نخستین مراحل خود را در آفریقا طی میکنند آثاری که تاکنون کشف شدهاند این قاره را - اگر نه در جرگه کانونهای اصلی و ولی در ردیف بزرگترین کانونهای تحول و توسعه انسان قرار میدهد. هم اکنون برخی از دانشمندان «پالئوآنتروپولوژی» را که چهارده میلیون سال پیش با بهره وجود نیاندهاند از پیشقدمان خاندان بشری بشمار میآورند «پالئوآنتروپولوژی» آسیای توحی از آنها هستند که احتمالاً از آفریقا سرزمین هند راه یافته اند. و اما در مورد «اوسترالوپیتکها» میبایست از جنس دویا که نخستین پویندگان جلگه های پهنای افریقای آفریقای خاوری و مرکزی بودند باید گفت که آنها بیشترین تخصص نیوانها از نوع انسان امروزی محسوب میشوند. ساختن سلاح داخلی جمجمه این میمونها نشان دهنده رشد و گسترش قطعه تنبالی و قطعه ایمانی مغز است که دلالت بر بالا بودن سطح استفاده های فکری آنها دارد. سپس نوبت به «پیتکانتروپها» و نومی از آن نام «هومیو هابیلیس» فراموشید. این میمون اخیر که نخست نوع انسان مدرن میشود نموداری از یک حیوان تازه بدوی جلو در راه پیشرفت برای رسیدن پایه انسان است. پس از آن «پیتکانتروپها» (پیتکانتروپها و «آلاترورپها»، «پالائترورپها» یا «تاندراپالینها» و بالاخره نوع «هومیو هابیلیس» (انسان های موسوم به «آنتروپها» که در «آنگول» و «کوتین» (فرانسه) قرار دارند که بسیاری از مؤلفان از خصوصیات جسمانی آنها در آغاز دوران پارینه سنگی - که غالباً بخصوصیات جسمانی «پیتکانتروپها» شباهت دارد - در آنها خود سخن گفته اند. همه دانشمندان پان نخته بشره که حلقه های «تجزیه ای» انسانهای کنونی را بقدمترین میمونهای انسانها میبندند میبندند در قاره آفریقا یافت میشوند.

و اکنون خوشبختانه فرضی انسان را هنوز در همین قاره میتوان بازیافت. بمقتضای دوو. هزاره یونس میان میمونهای بزرگ آفریقا از قبیل کوریل و سیموناز با انسان حتی بسیار بیشتر از دوند هریک از آنها با دارد. انسان - «انان» آنتروپولوژیست (صفحه ۱۵) شعله پیام پوسنکو شماره شهریور و مهر ۱۳۵۲ را مطالعه کنید. و برای این نظریه دلایل فراوانی وجود دارد. آسیا (در مناطق خدرانش) و خصوصاً آفریقا بعثت پیشرو قابل ملاحظه آن در نیجریه جنوبی از حیطة شرایط اقلیمی پانزدهمده مناطق

صنایع وابسته و اساسی مکانهایی که اشیاء نشان داده شده از آنها بدست آمده‌اند

تاریخ



کمتر از ۸۰۰۰ سال



۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ سال



۳۰۰۰۰ سال



۵۰۰۰۰ سال

Photos : (de gauche à droite et de haut en bas) :
Musée Histoire Naturelle, Paris - I.F.A.N., Dakar - Maximilien
Brogioni - B de Trévis des Moutons - Institut National
David - Inst. Paléontologie Mumbale, Paris - Henri J. Hugot - Marcel
Bovis - Henri J. Hugot - Denise Frensbach - Marcel Bovis - J.

انسان‌های فسیل

مناطق باستانی عمده



انسان آثار
(موریتانی)



دوران نوسنگی

(از چپ به راست:

نیجریه آفریقای

مرکزی، سنگال)

افالو

(الجزایر)



ایزو موروزین

شمال و جنوب آفریقای

مست جنوب آفریقا،

شمال و جنوب در وسط

مست آفریقا، الجزایر

هموسپین‌ها

داو و سلطان

(موریتانی)



مرین

شمال و جنوب آفریقای

مست جنوب آفریقا،

شمال و جنوب مست

آفریقا، الجزایر

جبل ایرهود

(مراکش)



موسترین

(تونس)



تا ضلالت و استخوانبای آبروهر و جمجمه را از دشواری گستردهای متعدد برهاند. آزادی و افزایش اندازه کاسه سر که در آن مراکز حسی و حرکتی قشر مغز توسعه پیدا کردند ناشی از اینجاست.

اسانهای ماقبل تاریخ آفریقا پس از آنکه آموختند چگونه با ایجاد ششکستیهای ناسواری در سنگ آذر بطور سرسری و بطرفزنانیانه یزترشد (فرهنگ دوران پارینهسنگی اسان اولدو وای) بمرحله آکادمی از خلافت گام نهادند.

اسان ماقبل تاریخ در فن ساختن ابزارها همیشه راه پیشرفت پیوسته و سرانجام در این کار مهارت بدست آورده است. و از همان گامهای نخست، در ذکر کولی و لوزه و مصالح یافته و وسوسا کارایی بیشتر و نیز وسوسا را که در برای ساختن اسان آنها با مقاصد روزبروز پیچیدهتر بکار برده است مشاهده نمود که خود نشانه‌های از شعور اسانی است که او را از چنگ غریزه و اسواقالی و پستکواخت غریزی نجات داده است.

مجموع این پیشرفتها که با میلاد و اقتیسات نسو فراوانی همراه بود شکل موجی از اختراعاتی را که دارای شعور تاریخی موجی باشد بخود گرفت. موجی که پس از تسلط اسان بقرون کشاورزی و زندگی نوستانی و اختراع ظروف سفالین بدوره تاریخی عهدباستان منتهی گشت.

کشف گندم، جو و گیاهانی مانند کتان برای پارچه‌بافی و همچنین پرورش حیوانات اهلی اندکند که در این سرزمین توسعه پیدا کرد. در هزاره ششم یا پنجم پیش از میلاد در مرکز مدته کشت و بهرمراداری محصولات کشاورزی - یکی دانه نبل و دیگری دانه روخانه نیچر - در آفریقا بیشک دارای تأثیر درختان گردآبیانی بوده‌اند. در این دو منطقه گیاهان کشاورزی از قبیل ذرت هندو، ازلون ریز و درخت - انواع برنج، کچند و در مناطق جنوبی آنها سیس زمینی، کتاج رونوی و اسطوخودوس نوعی پنبه کشت می‌شد. علاوه بر دانه نبل از محصولات مانند گندم، جو، یاز، آبنوس، نخود، غریزه و انجیر که در این سرزمین بعمل می‌آمدند استفاده میکردند و از آسیا نیز نیشکر، انواع دیگر برنج و موز وارد میشد. موز بیشک از شرق آفریقا به این سرزمین می‌آمد و در این کشور پیش کشف قهوه زواج داشت.

سایری از گیاهانی که در دوران ماقبل تاریخ کشف شده‌اند هنوز نیز، گاه بشکل پتیزی، وجود دارند و اکنون قسمتی از مواد غذایی آفریقاییان را تأمین کرده‌اند. آنها مویجات استقرار و تثبیت اسانها را که بدون آن هیچگونه پیشرفتی بسوی تمدن امکانپذیر نیست فراهم آوردند. دوران نوسنگی واقعی که در فاصله میان سه تا دوهزار سال پیش از میلاد در اروپای غربی بوجود آمده سه هزار سال زودتر از آن در مصر آغاز شده است. به علاوه ظروف سفالین «دالشتی» واقع در کتیبه احتمالا به پنج هزار سال پیش از میلاد تعلق دارند بنا امکان میدهند تا چنین استنباط کنیم که آشنایی مردم در مصر و چین با صنعت کوزه‌گری - که از ابداعات انقلاب بشر پستار می‌باشد - بسوی وسیله ساکنان سرزمینهای مرتفع و کوهستانی آفریقای خاوری صورت گرفته است. افزایش نیروهای تولیدکننده در دوران نوسنگی احتمالا سبب بالاترین میزان جمعیت گردیده و ازاداد جمعیت نیز منبوه خود پدید-

های مهاجرتی را بوجود آورده است. پختن و پراکندگی خاص برخی از «کارگاههای» دوران ماقبل تاریخ که در سبک ساختمانی صنوبرات سنگی آنها همانندی وجود دارد بر این امر کواهم میدهند هر اندازه که بر میزان کارایی ابزارها و وسایحها که گاه ناشی از کاوش و زین آنها بوده افزوده میشد شعاع عمل ناگشت و بازگشت و مهاجرت‌های فعلی نیز پهنان اندازه گسترش پیدا میکرد. آفریقا قاره‌یی است که در آن اسانها در همه جهت پختن و پراکندگی گشته‌اند. کوهی افق‌های وسیع این سرزمین به‌طور آنها را بسوی خود جذب کرده‌اند. درهم آمیختگی سیمه و معاینی که اکنون در یک نقشه قومی آفریقا وجود دارد و هرگونه ناشین حکمگری در رچار و لردی میسرزد از این جابجائی‌های پیچیده اقوام و ملل در طول مدت هزاران سال سرچشمه میگردد.

تا آنجا که میتوان تصور کرد، نخستین انگیزه‌های مهاجرت ظاهرا از اقوام میاتوه در شمال و شمال شرقی آفریقا آغاز گشته و بسوی غرب و شمال گسترش پیدا کرده است. و سپس از دوران نوسنگی بعد کوهی تحت تأثیرات دفع کننده غول صحرا ظاهرا گرایش عمومی بر این بوده که حرکت بسوی جنوب انجام گیرد و این قول وحشتناک نیز از آن پس همین یک حایل طبیعی با اقتدار تمام در عرض این قاره مستقر گشته است. این جریان بسوی جنوب و شرق (مهاجرت اقوام سودانی، بانتو و اقوام ساکن حوزه رودخانه نیل) در طول دوران تاریخی تا قرن نوزدهم ادامه پیدا کرده و در این قرن آخرین امواج آن با برخورد بسواحل دریای جنوبی محو و نابود گشته است.

رئیس کاروان که بپاری طلسم و اسلحه قبیله را بسوی پیشرفت یا حادته هدایت میکرد جند و بی‌انگازر قبیله بود او که ناشی در طی قرون تا باروز در حاله‌یی از احترام تقریبا مدعی پیچیده شده ملت خود را در طول تاریخ بجلو می‌راند. درواقع، مویجات اساسا عبارت از پیوندهای گروهی و اصالی یونده که جنبه‌های گوناگون اجتماعی داشت.

این مهاجرت‌ها که از قوتفیتها با ششکستها در محیط ملل ناشی میشدند سرانجامه نتایج جسمی منتهی میگشتند زیرا از یکسو به پیشرفت ملل میکردند از آنگو که امواج متوالی و متقابل آنها «دالشتی» - اگرچه مویجات تسلط بر قاره - ولی مویجات صرف آرا فراهم می‌ساختند و در سانه ایجاد مالدات - از طریق نوعی تأثیر جمعی - امکانی برای نواوریها بوجود می‌آوردند. از سوی دیگر با گسترش از میان فراتر حمت در یک فضای نامحدود از زمینکن گروه‌های بشری باستانه تأثیرات میشدند؛ حتی که در آن انبوه جمعیت اسانی ناچار است برای ادامه زندگی از ایجاد ابداعات و اختراعات پیش از حد توانایی خود بکوشند. گاهت جمعیت در محیط جغرافیایی بر سلطه محیط می‌نوازد و نخستین اقوام آفریقایی را معیشت زمبابوی طلغاتی اولیه که در آن اسان به تغذیه بردناک دست میزد تا از خلال قشر کور چیدان قافه شعور راهی بسوی کمال بگشایند. سوسی می‌داد.

اگر آغاز تاریخ از زمان بکار بردن آتش‌سایه آهنی بصباب آید در انپورتوت میثون گفت که دوران ماقبل تاریخ در بسیاری از مناطق آفریقا تا حدود سال هزار آنامه پیدا کرده است. حتی در قرن نوزدهم میلاد، یعنی سالی - نیرو - های مولک و روابط اقتصادی اجتماعی بسیاری از گروه‌های آفریقایی (و به تنها گروه‌هایی از سایه‌وستان راسته به ژئوگرافی ماقبل تاریخ) اسانهای ماقبل تاریخ، چن در مورد استفاده از نیروهای مولک و روابط اقتصادی و اجتماعی ایرانهای فلزی، هیچگونه نظارت اساسی وجود نداشت. و در قرن بیستم نیز قنون شکل قابل

«یکه» شباهت نام فونونی دارد که مردم آفریقا دوره ماقبل تاریخ آنها را بکار می‌بردند. در پشت قلال خیره‌کننده تمدن مصر اصالی برجسته و اختراعات بسیار از قلمرو سلطنتی و امپراطوریهای آفریقایی آن واقع سترگی که بسوی توسعه جوامع آفریقایی در تاز و بود میبخشد وجود دارد.

در همدوره‌های بدوی آفریقا، برخلاف اسان اروپایی (باستانی و زرمینی که گسترش ملل مخصوص زمین در پلتن مالکیت مشترک آن مشخص و تمایز میسازد، هیچگونه مالکیت خصوصی مشاهده نمیشود. درواقع، جوامع روستایی آفریقا، مقامات بالا - دولت - نیز مانند افراد عادی از مالکیت زمین برخوردار نبودند و دولت بطور کلی بکارهای جزئی نسیب‌داخت.

در آفریقای سیاه، حکومت غلبه‌یو برخی از سلاطین سفاک همیشه شکل یک حکومت پادشاهی محدود و متدلی را بنوع میگرفت. پیش‌های قانونی و عرف و عادات که توسط اساسی فیر مکتوب و واقعی را تشکیل میدی بران نظارت میکردند و تمامی این نهادها از یک سازمان یا طبقه‌بندی اجتماعی پشتیبان می‌شدند. حتی وقتی امپراطوریها معتبر و می‌مانند مالی - که این بطولوه در قرن چهاردهم میلادی از آن توصیف ستایش آمیزی به آوره - قلمروهای گسترده‌یی پیدا میکردند تمرکز در آنها که بعنوان یک تصمیم عمده پذیرفته میشد جمیع اسلحه اسکنان حیدر استقلال تمام اعلا گشته بود. بهرحال، چون حدود مورد استفاده قرار میگرفت و قنون و وسایلی نیز توسعه چندانی نداشت از آبرو سفاکان دست سلطه و اقتدار مرکز می‌گشتند. همچنین بهتدید دانش از سوی رعایا در اینکها با فرار خود را از چنگ یک حاکم مستمر احتمالی نجات دهنده جنبه بسیار و می‌بخشد.

وانگسی، تولید اضافه بریازنده‌یی همدوره‌های بنیادی در آفریقا، جز در مواردی در کولایاها گرانبایی مانند ملا در قفقاز (دانشانی، عاج، نلک و غیره با اختصار در وجود داشت ظاهرا ناچیز بوده است. این مورد نیز نباید خدمات متقابل سران قوا را لحاظ ایجاد امنیت، اجرای عادات و اقوام امکان داد و سند فراموش کرد و نیز این امر را ناچیز شمرد که بخش عظیمی از مالیات و خراج و در جنبشهای متداول قشر رستم از معیشت در مورد کسانی که می‌بایست از تقاضای شرعی برخوردار باشند، از تو میان آنها تا می‌گشتند. و این امر می‌تواند برای بخش پیدا و حساب عالیجاه «لانگکو موسی» از مالی در سفر بانگوه وی در سال ۱۳۲۴ که یک توجیه بکار رود. (مقاله صفحه ۶۰ مر گید).

رابع بنوع تولید مربوط بنظام بر این سؤال پیش می‌آید که آیا چنین نوعی در آفریقا وجود داشته است (بانه) در این نیز تا کزیر به باید جواب منفی داد. تقریبا جوامع جنوب صحرا پردتی یک نفس داشته و پردکان یا بمعنای دقیقتر سوسی تقریبا همیشه عبارت از اسیرا جنگی بود و اسارت نیز منزلت اسان را تا حد یک تمام عیار، می‌فهمد، چن در روم باستان از استنباط می‌شود، باین فعالیتها برده آفریقا تا حدی از حق مالکیت برخوردار بود و مانند یک ابزار یا یک حیوان استفاده نمیشد.

«دانشانی» برای تأمین سوخت اشاره کردن به‌اصالت پست یا فردا ممنوع بود. بگونه‌یی که یک اسیر قدسی عزانست بنظام گندم‌داری، نابل آید. ش زنگر اسیر اگرچه در آفریقا جنبه عمومی

۵۰۰۰۰

۲۰۰۰۰۰۰

۵۰۰۰۰۰

۱۰۰۰۰۰۰

۱۵۰۰۰۰۰

۲۰۰۰۰۰۰

۲۵۰۰۰۰۰۰

Cliché de l'Union des Photographes de la Côte d'Ivoire

ولی در امر تولید که از مشخصات یک طبقه اجتماعی بشمار میآید متضمن نقش محمود و معنی نبود.

در جاهایی مانند «داهومیس» «دانتس» و زنگبار که در آنها در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی بردگی یک جنبه گروهی و از لحاظ کیفی خصوصیت متغی را بخود گرفته بود. ساختارهای اجتماعی وابسته نوعی از تولید مسلط یعنی سرمایه‌داری و در واقع نسبت از تأثیرات اقتصادی خارجی بودند.

و سرانجام لازمست ساختارهای اجتماعی - اقتصادی را بعنوان یک سیستم خانوادگی مادر-شامی تلقی کرد که دستکم در آغاز و پیش از آنکه تأثیرات بعدی مانند اسلام، تمدن غرب و غیره اندک اندک سیستم پدرشاهی را در این قاره تحمیل کنند از مشخصات بسیار بازجوامع آفریقایی بشمار میآید. این ساختار اجتماعی که برای توصیف نقش برجسته زن در جامعه بسیار اهمیت دارد متضمن نتایج اقتصادی و سیاسی و معنوی نیز بود. زیراهمانگونه که در فضا مشاهده میشود هم از نظر انتقال ثروت‌های مادی و هم از لحاظ انتقال حق مالکیتی درخانواده سلطنتی نقش عمده‌ای را ایفا میکرد. بنابراین فرآیند پستی ظاهراً از اوضاع دوران ماقبل تاریخ آفریقا یعنی از زمانی سرچشمه میگردد که استقرار دائمی در طول دوره نوسنگی برای وظایف خانوادگی زن مقام بسیار شامی قائل بود بگونه‌ای که زن یکی از اجزاء عمده پیکر اجتماعی بشمار میآید.

چگونه میتوان مسیر تحول خاص جوامع آفریقایی را در دوران ماقبل تاریخ ترسیم نمود؟ نخست باید باین نکته توجه کرد که در طول این دوره آفریقا درمسایع میان قاره‌های مختلف نقش مهمی بعنوان مرکز اختراعات و کانون پخش فنون بازی کرده است. ولی این نقش والا درودک بیش نقش داشته و فرعی بسبب و علت تأمین این بوده است که از منابع و خدمات آفریقا بطور افراط استفاده شدیدی آنکه در مقابل پیشرفت آبی و ماسایی - مثلا بشکل انتقال مریحایه و فن - که با آن برابری کند دراختیار این قاره قرار نداشت.

این امر بربره‌داری که مکتب چندین هزار سال طول کشیده در سه زمان تاریخ شفقت خود رسیده است نخست در دوران باستان و پس از زوال شکوه و شوکت مصر، درآسیه و قلمروهای دیگر، دوم در آفریقا شمالی بود. بربره‌داری شدید فراز گرفته تا پستی که امروزه روم نامیده شده. رومیان علاوه بر محصولات غذایی جانوران وحشی، برآنگن و گلابیاتورهای بسیاری برای کار کردن در ارتش و در کاشی و آمازک وسیع و یا برای جنگیدن با جانوران نوزدهم و بیست و یکم قریب روم از این نوزدهمین کشور خود بهره‌برداری می‌نمودند. در قرن شانزدهم، انتقال ارامش و تشکیل مستعمره در قاره آفریقا سوچیا تیت و استنگی (این سرزمین کشتار کبکها مریحایه و انقلاب صنعتی در اروپا که در پدیده حفرمان و مکمل یکدیگرند بدون این کمک اجباری آسیا، آمریکا و بخصوص آفریقا صورت‌نپذیر است.

پسوازیات این پدیده‌ها، حتی در طول قرون (از عهد باستان تا قرن شانزدهم) که در این قاره رشد داخلی انجام میگرفت و اوضاع آرمندانه خارجیان شدت شدت تضادهای پیشامد درونی در سیستم آفریقایی موانع ساختاری درون‌زایی را تشکیل میدادند بی‌آنکه در آنسوا فشار داخلی بتوانند تحولی بسوی ساختارهای اجتماعی پیشرفته‌تر ایجاد کنند.

آفریقا با آن طوایف و روستاهای همیشه زنده خود و با آن گرایش‌های آندکی که مالکیت خصوصی زمین ازجین در این قاره یک ملک شجاع و گراشیا و زمین در همچون هوارفت و مجانی بود) داشت از زمان‌های بسیار گذشته ازآنکه و پویایی متضاد و رقابت‌آمیز گروه‌های اجتماعی

آگاه نبود. ولی اینرا نباید یگانه علت قدر بودن اشغال اجتماعی می‌دانست که در آن میتوان مشاهده کرد. چون تسلسل پایین سطح تکنیک و نیروهای مولد هم علت و نتیجه کاهش جمعیت در یک فضای نقد نامحدود - و بنابراین غیرقابل کنترل - بهر می‌آمد.

بعلت وجود موانع طبیعی سفرهای بی‌طولانی در این قاره هرگز توسعه پیدا نکرد. تجارت فقط ببالاهای نسبی که معمولا کاشیا ساخته میشد محدود گردیده است. هرچیز که موانع زیست بومشناسی - همان که در دره نیل و تاجد کمتری در دره نیلر میشود - کاملاً یا بطور نسبی از میان بپوشاید اجتماعی بعلت افزایش جمعیت و بین مالکیت خصوصی شکوفا گشته است. بنابراین آفریقا، در مجموع، بهر آسیه در مغرب‌زمین مشاهده میشود پس برزدگی و ملوک‌الطوایفی زورور نشده آمد حتی نمیتوان گفت که الگوهای آفریقایی‌ها دیگری از این سیستم‌های اجتماعی واقعه باشند زیرا عوامل تشکیل دهنده اصلی سیستم‌ها دراین قاره غالباً وجود نداشته است. خلاصه، در آفریقا میتوان استقرار ملاحظه نوعی از تولید بومی را که بشیوه دیگر عبودیت‌های بنوی شباهت دارد مشاهده ولی درمیان این دو شیوه وجود نمایی مساوی نیز هست که بهترین آن حسامیت قاره آفریقا مالکیت خصوصی و یا دولتی است.

سپس تحول تدریجی و پراکنده‌ی جهت استقرار اشکال دولتی ایجاد گشته است ولی خود اشکال دولتی نیز مدتها در شکیب و روابطی که اساساً مربوط بهدوران قبل تشکیل دولت‌ها هستند گرفتار بوده‌اند و بعداً نیز خود را از چنگ مالکیت اشتراکی بیرون کشیدند تا در چهارچوب نسبی از نوع سرمایه‌داری که نخست از نفوذ بربره‌داری و سپس جنبه انحصار بطور گرفته برای مالکیت خصوصی و نفوذ دولت استوار گردید دولت استعماری پیش از آنکه در اوایل قرن بیستم جای خود را بیک دولت سرمایه‌داری مستقل بسدهد در واقع بعنوان اداره کنند نمایندگان‌های تجاری سرمایه‌داران تشکیل گردیده است. مگر اینکه در عبودیت‌های پیش اولیه از طریق دیگر تحولی در جهت استقرار سرمایه‌داری استعماری مسلط بوقوع پیوسته سپس این تحول در جهت ایجاد نوعی از نوع سومیاصلی آماده پیدا کرده است.

بهرحال درک یک واقعیت در مورد آفریقا ضرورت دارد و آن اینکه چون دراین قاره ده کم از اقصی سال پیش هیچگونه دگرگونی ساختار اجتماعی رخ نداده از اینرو با وجه افزایش جمعیت در نیروهای مولد رکود ایجاد گشته است و این البته با موارد پراکنده‌ی رشد اقتصادی که محدود بمسائلی معینی است و نیز با شکوفاهی فوق‌العاده نسبی و زور مؤدیانه شخصی منافاتی ندارد. گویی آفریقا بخش عمده‌ی از نیروی خلاق خود را در زمینه‌ها صرف کرده‌اند. هراندازه که نیروهای تولیدی امروز سرمایه‌داران همان اندازه هم تضادها بین موجودات و ارائه خودسرانه صاحبان قدرت را در می‌نمایزند. مبارزات آزادی‌بخش که اکنون در برخی از سرزمین‌های آفریقا با شدت تمام در جریان درآید و در عین حال نفی هرگونه‌ای است که برای رام ساختن این قاره درجریان استیمستی که میتوان آنرا تسویه آفریقایی تولیدی نامید بعمل می‌آید. سخن کوتاه، در آفریقا علایق و ساختاری انسان که از هزاران هزار سال آغاز گشته هنوز نیز آماده دارد.

ژوزف کی

دوران ما قبل تاریخ افریقا و تحول انسان
بقیه از صفحه ۴۱

انواع تبر

(تاجیکیت، الجزائر)

(تیبو دالین، الجزائر)



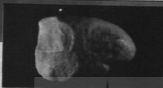
۲۰۰۰۰۰

تا ۱۵۰۰۰۰ سال



ابزارهای سنگی

(ابن هانشر و انولف،
الجزایر)



۱۵۰۰۰۰

تا ۲۵۰۰۰۰ سال

یک قطعه

بلور کوهی

(اوسو، ایویس)



۵۲

تا ۳۰۰۰۰۰ سال

۵۳

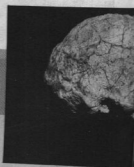
تا ۴۰۰۰۰۰ سال

سليمان رمال و قلاع

اولور ژا
(كنيا)



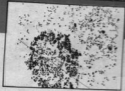
هومو اركتوس
(دریاچه تورکانا، كنيا)



اولو و
(تانزانیا)



استر الوینکوس بویی زئی
(اوم، اتیوپی)
هومو هابیلیس
(دریاچه تورکانا، كنيا)



اومو
(اتیوپی)



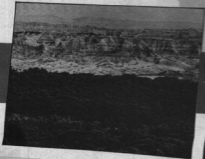
ستر الوینکوس
آفریکانوس
(ترونگ، بوتسوانا)



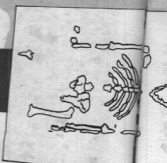
پوششگاه صنوبر اسنی و مطابخات فریبندی
پرتال جامع علوم انسانی



ها



استر الوینکوس
آفانسیس
(مادار، اتیوپی)



وقایع نگاری پیچیده

در سرزمین پهنای آفریقا تحول فزون غالباً بر حسب مناطق مختلف فرق میکند و این امر تعیین تاریخ دقیق وقایع را در تاریخ تحول این قاره بسیار دشوار میسازد. مثلاً آهنگاری در برخی از نقاط آفریقا در حدود هزار سال پس از میلاد انجام میگرفته ولی در نقاط دیگر مردم در قرن اول پیش از میلاد باین کار میپرداختند. در نیمه اول قرن شانزدهم میلادی، هنرمندان قلمرو سلطنتی باستانی «بن» با بکار بردن یکی از شیوههای بسیار پیچیده ریختهگری مجسمههای برنزی بسیار عالی میساختند و حال آنکه در نقاشی سنت هنری صخره‌نوی گاه تا قرن نوزدهم میلادی ادامه پیدا کرده است. در سمت راست مجسمه‌ای برنزی متعلق به قرن شانزدهم میلادی را که نشاندهنده یکی از ملکه‌های مادری «بن» باستانی است ملاحظه کنید. در سمت چپ آهنگری از اهالی کامرون یکی از کوردهای قلمروی سنتر را روشن میکند. در تصویر پایین یک هلون و دسته آرا که متعلق به دوران ماقبل تاریخ هستند و برای خرد و نرم کردن غلات بکار میرفتند مشاهده میکنید. وجود اینگونه ابزار در سرزمین پهنای غرب مزدوج صحرا نشان میدهد که این بیابان خشت هزاران سال پیش یک منطقه حاصلخیز و ابرای زندگی کردن بسیار مساعد بوده است.

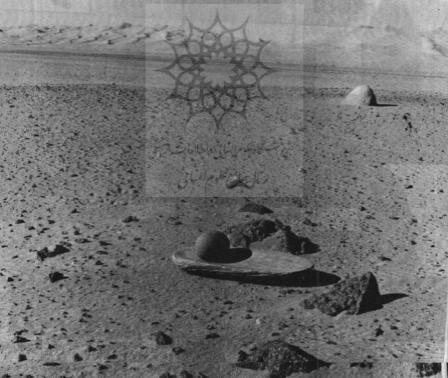


Photo © British Museum, London



Photo © Anthea Photo, Paris

Photo Maxime Buggmann © La Spirale, Lausanne, Suisse



سکونتگاه باستانی در آفریقا
در زمان عصر ماقبل تاریخ